

آينه

اقتصاد

مطالبه مردم از پارلمان

● **محمود میرلوحی:** از همان روزی که دور دوم انتخابات به پایان رسید بحث ریاست مجلس تبدیل به یکی از بحث‌های مهم شد. هر دو گروه اصلاح‌طلب و اصولگرا بر این باورند که اکثریت کرسی‌های مجلس را از آن خود کرده‌اند و طبیعی است که برای ریاست مجلس وارد میدان رقابت شوند. فارغ از اینکه ریاست مجلس به کدام یک از این دو جناح خواهد رسید مسئله‌ای وجود دارد که نباید از آن چشم‌پوشی کرد؛ مسئله‌ای که ارتباط مستقیم با کسانی دارد که این مجلس را در هفتم اسفند و همچنین دور دوم انتخابات رقم زدند. مردم تصمیم گرفتند و آن را عملی کردند و بر پایه همان تصمیم بود که ۷۰ درصد ترکیب مجلس تغییر کرد، در واقع رأی مردم در انتخابات اخیر رأی به تغییر بود. یکی از راه‌هایی که در ابتدای تشکیل مجلس دهم می‌توان در پیش گرفت تا نتیجه رأی و تصمیم مردم را به نمایش گذاشت در تعیین ریاست و هیات‌رنیسه پارلمان خواهد بود. نمایندگان باید کمر همت ببندند تا ساختار مدیریت و هیات‌رنیسه مجلس ترکیبی کارآمد و توانمند به خود ببیند. با وجود هیات‌رنیسه‌ای با ظرفیت، می‌توان امیدوار بود همه ظرفیت‌های مجلس فعال شود تا زمینه‌ای را فراهم آورد که مجلس بار دیگر به رأس امور بازگردد و نماد فضیلت‌های ملت شود. این مسئله می‌تواند یکی از اهداف همه نمایندگان ملت فارغ از جناح سیاسی باشد. فراموش نکنیم که چرا ترکیب مجلس در این انتخابات به طور بی‌سابقه‌ای تغییر کرد. مردم از دعوای مجلس خسته شده بودند و خانه ملت به جای اینکه محلی برای مطرح‌کردن خواست‌های کلان مردم و کشور باشد تبدیل به محل تسویه‌حساب‌های جناحی و گروهی شده بود و این مسئله مهم‌ترین نکته‌ای است که مجلس دهم باید از آن برحذر بماند. این مسیر وحدت و همدلی دو جریان اصلی حاضر در مجلس یعنی اصلاح‌طلب و اصولگرا را می‌طلبد. این دو جریان با تعامل و همکاری سازنده در قامت نمایندگان ملت ایران می‌توانند فارغ از زاویه‌بندی‌های سیاسی به کمک دولت بشتایند تا دولت بتواند سیاست‌هایش را در حوزه بین‌الملل و همچنین حوزه سیاست داخلی و به‌ویژه در زمینه اقتصادی اجرایی کند. پیام هفتم اسفند هم جز این نبوده و مردم با انتخاب‌شان مجلسی را روی کار آوردند که به جای سنگ‌اندازی در مسیر ناهموار دولت به یاری او بشتایند تا برنامه‌هایش را عملی کند.

کیم

این فقط نتیجهٔ ۳ سال «فکرکردن» به آمریکا بود!

جعفر بلوری: فرزند فلان شخصیت سیاسی که جز داشتن نسبِٔ خونی با پدرش، هیچ افتخاری -تأکید می‌شود- هیچ افتخاری در زندگی سیاسی‌اش ندارد، ضمن دهن‌کجی به اسلام، قرآن و مرجعیت، با سران و عناصر «حزب صهیونیستی بهائیت» دیدار می‌کند تا راه تحریم‌های حقوق بشری علیه کشورمان باز شود! و آمریکا بلافاصله از نقضِ نتیجهٔ «حقوق اقلیت‌ها» ایران» خوانده دفاع و ایران را به نقض حقوق بشر متهم می‌کند. اینجا نیز آن مشابهت فکری و رفتاری کار خودش را می‌کند و چهره‌های سیاسی و رسانه‌ای این طیف، بلافاصله با انجام مصاحبه با این و آن و آسمان و ریسمان کردن، بهتر از خود آمریکایی‌ها سعی در تیرئه این مجرم کشیده و به دفاع نامبالغ‌از وی و اقدام خلاف وی می‌پردازند. خاصیت شیطان اکبر «تأثیرگذاری» و حاصل اعتماد و نزدیکی به آن نیز «تأثیرپذیری» است. نزدیکی به شر مطلق، قطعاً نمی‌تواند خبر و برکت به دنبال داشته باشد؛ به‌ویژه وقتی یک طرف ماجرا، کشور اسلام را ترزاز جمهوری اسلامی ایران باشد. سه سالی که گذشت، محک خوبی بود برای اثبات این ادعا. همین سه سال اعتماد نیم‌بدن دولتی‌ها به آمریکا-که خوشبختانه به نظر می‌رسد رفته‌رفته رنگ می‌بازد-نشان داد از آتش آمریکائی گرم نمی‌شود. در همین مدت کوتاه دیدیم با نگاه به دستان آمریکا و بی‌توجهی به ظرفیت‌های عظیم داخلی و ظرفیت‌های موجود در سایر کشورهای جهان، چیزی نصیب ملت نشد جز افزایشِ دشمن‌ها و دشمنی‌ها، افزایش غارت بیت‌المال، افزایش رانت و فساد و اشرافیت، افزایش قاچاق کالا، روشکستگی کارخانه‌ها و….

ایران

پیام‌های دیدارروحانی با مراجع عظام تقلید

ابوالحسن نواب: با وجود آنکه به نظر می‌رسد روابط روحانی و دولت یازدهم با مراجع عظام تقلید، یکی از بهترین روابط در ۳۷ساله اخیر بوده است، اما این امر به معنای نادیده‌گرفتن تلاش‌های برخی برای حاشیه‌سازی‌ها یا ایجاد القابات منفی و نگرانی در مراجع و حوزه‌های علمیه نیست. بر این باورم که این حاشیه‌سازی‌ها و تلاش برای تخریب روابط دولت با مرجعیت، به نفع دولت و نظام نیست، اما اظهارات اخیر مراجع در دیدار رئیس جمهوری، نشان داد که مراجع و بیوت محترم‌شان نیز از این حاشیه‌سازی‌ها تأثیر نمی‌پذیرند. بیانات مراجع عظام در دیدار با روحانی تأییدکنندهٔ بی‌تأثیر بودن این القابات است، باوجود همه اینها، ممکن است برخی دل نگران صداهای مخالفی باشند که از بخش‌هایی از قم به گوش می‌رسد. اما باید توجه داشت که در شهر مقدس قم نیز جریانات مختلفی حضور دارند، جریاناتی که افکار، عقاید و حتی طرفداران خاص خود را دارند.

کا **با توجه به اینکه شما جز، افرادی هستید که قبل**

و بعد از انقلاب اسلامی از افسران و فرماندهان ارشد ارتش بودید و شاهد تحولات ارتش بودید، چقدر احتمال وقوع جنگ می‌دید؟

پس از انقلاب اسلامی، تعداد زیادی از لشکرها و در کل سازمان ارتش دچار نوسان و تغییر شد. برخی لشکرها منحل شدند؛ مثلاً یکی از لشکرها به نام لشکر «گارد» منحل شد که اثر مستقیمی روی انسجام لشکر و تمام واحدها گذاشت. مسئولان تصمیم بر منحل کردن این لشکر گرفتند و این امر دقیقاً در زمانی رخ داد که جنگ قریب‌الوقوع بود؛ تمام قراین مبنی بر شروع جنگ بود. عراق در تاریخ ۱۶ شهریور، ۱۴روز پیش از شروع جنگ، به «زین‌الکش» (به قول عراقی‌ها زین‌القوس) در جنوب قصر شیرین که یکی از مناطق اختلاف‌برانگیز ما و عراق بود، حمله کرد. سه روز بعد با حمله به میمک در شمال مهران توانست آن ارتفاعات را اشغال کند. باید اضافه کنم مناطق اختلاف‌برانگیز ما ب عراق، نقاط «میمک»، «زین‌الکش» و «اروندرو» بود. عراق با حمله به میمک به صورت علنی به ایران لشکرکشی کرد و تمام قراین مبنی بر حمله عراق به ایران بود؛ ازجمله تحرکات، روزنامه‌ها و تحریکات مرزی بیانگر شروع جنگ بود. در آن زمان آنها لشکر را بنا به دلایل نام‌گارد و… منحل کردند و با لشکر سابق مرکز ادغام کردند و با نام لشکر ۲۱ حمزه در تاریخ دوازدهم شهریور سال ۵۹ (۸روز قبل از جنگ) تأسیس شد. این دو لشکر بر روی قطارها و اتوبوس‌ها مشغول سازماندهی بودند و من این لشکر را در تاریخ دوازدهم شهریور به جناب سرهنگ «ورشوساز» که فرمانده دوم لشکر بود، تحویل دادم و بعد از ۱۹ ماه کار شبانه‌روزی بعد از انقلاب، به مرخصی رفتم و زمانی که برگشتم، فردگاه مهرآباد تهران بمباران شده بود. آقای بنی‌صدر و سایر مسئولان پیش از شروع جنگ احتمال شروع جنگ را باور نکردند. با مطالعه کتاب خاطرات جناب رفسنجانی و روزنامه‌های وقت، به این جمع‌بندی خواهید رسید که مسئولان وقت به این جمع‌بندی نرسیدند. حتی یک هفته پیش از شروع جنگ سرهنگ کتیبه، رئیس ادعا دوم ارتش، به اتفاق مرحوم فلاحي و ظهیرزاد با نقشه‌های آماده نزد آقای بنی‌صدر، فرمانده کل وقت، رفتند. ایشان در ابتدا باور نکردند و گفتند: نزد آقای هاشمی بروید. جناب هاشمی نیز پس از دیدن نقشه‌ها‌ما در درخواست بیان این موضوع در صحن علنی مجلس را داشتند… زمانی که شهید فلاحي، رئیس ستاد مشترک، متوجه پذیران‌بودن حرفش شد، بنا بر تعصب وجدانی و کاری خود، بلافاصله پس از شروع جنگ تنها به جبهه آمد.

کا **پس از آغاز حمله عراق، اوضاع خوزستان به چه شکلی بود؟**

اوضاع به‌ویژه در خوزستان بسیار به‌هم‌ریخته بود. واحدها از نظر جغرافیایی در خوزستان به سه قسمت تقسیم می‌شوند. در ابتدا غرب دزفول، دوم دشت آزادگان و سوم غرب و جنوب اهواز و خرمشهر. هرکدام از این مناطق باسلاطانی خاص خود را داشت. سقوط هوایمی C-130 و شهادت فرماندهان «نامجو»، «کلاهدوز»، «جهان‌ارا» و «فلاحي» پیش آمد و مرحوم صیادشیرازی فرمانده نیروهای زمینی شد. صیادشیرازی و سپاه شناخت خوبی از هم‌دیگر داشتند و با هم به‌خوبی کار می‌کردند. او تیمی توانا از استادان دانشگاه جنگ را برگزید. ما به خوزستان رفیتیم و تا آخر جنگ نیز بودیم. با حضور صیادشیرازی و همکاری با سپاه قراقرگاهی با نام کرل‌با به فرماندهی شهید صیادشیرازی و محسن رضایی تشکیل شد. و آقای قویدل نیز در اطلاعات و عملیات آن حضور داشتیم. بچه‌های دانشگاه جنگ نیز بدون حق امضا به عنوان مشاور همراهمان بودند. در این جمع جناب قویدل افسر عملیات و من به عنوان افسر اطلاعات با مرحوم صیاد همکاری می‌کردیم. قراقراه کرل‌با، قراقرگاهی ادغامی بود، در نتیجه تفکرات و طرح‌ریزی و انتخاب مأموریت‌مان با هم بود و عملیات‌های خوبی مانند فتح‌المبین، بیت‌المقدس و طریق‌القدس را انجام دادیم که اوج شکوفایی رزمندگان در جنگ بود.

کا **تکاوران نیروی دریایی و افسران دانشکده افسری در ۳۵روزاستقامت خرمشهر چقدر نقش داشتند؟**
من از سوم مهر به همراه مرحوم فلاحي با چند هوایمی C-130 و حدود ۷۰ دانشجو به سمت جنوب حرکت کردیم. جناب فلاحي رئیس ستاد بودند (رئیس ستاد، نقش فرماندهی ندارد) و سرتپ ظهیرزاد فرمانده نیروی زمینی هم مسئولیت سرزمینی را داشتند. در همان اهواز و خوزستان نیز بین مسئولان اختلاف عقیده وجود داشت. خرمشهر و جزیره آبادان نیز به دلیل هف‌بودن اوضاع خاصی داشتند و عراق این مناطق را متعلق به خاک خود می‌دانست و اگر می‌توانست خرمشهر و آبادان را از طریق بهم‌نشر تصرف کند، می‌توانست اروندرو را هم اشغال کند. همان‌طور که می‌دانید فاصله شلمچه تا خرمشهر حدود ۱۵ کیلومتر است و این منطقه از لحاظ نظامی کاملاً بی‌دفاع بود. دو گردان از تیپ یک لشکر ۹۲ در منطقه مستقر شده بودند؛ اما باوجوداین عراق تمام توانش را برای این‌ا امر به کار گرفته بود و تقریباً یک لشکر در منطقه مستقر کرده بود. لب مرز عزیزان نتوانستند مقاومت کنند؛ البته از شلمچه تا نهر عریض حدود هشت روز مقاومت کردند؛ ولی فاصله بسیار کم بود. آنجا بود که مردم بومی منطقه در کنار سپاه خرمشهر و سپاه آبادان به کمک آمدند و در مرحله بعد از شهرهای اطراف نیروهای سپاه دزفول و مسجدسلیمان، بههران و در مرحله آخر از تمام ایران به کمک برادران ارتشی خود، ازجمله تکاوران نیروی دریایی آمدند. در آن دوره ما نه فرماندهی منسجم داشتیم و نه ستاد کارآمد؛ به عبارتی واحدهای مناسبی که مقابل نوک پیکان حمله عراق دفاع کند، نداشتیم. با این اوصاف توانستیم ۳۵ روز مقاومت کنیم. اینجا باید به نقش تکاوران که رنج‌های

سیاست

امیر «عبدالحسین مفید» از روزهای دفاع، سقوط و آزادسازی خرمشهر می‌گوید:

پایان جنگ بعد از فتح خرمشهر، نه صلاح بود، نه ممکن



عکس: امیرحاج‌جلیلی، شرق

محمدحسن نجمی

گفت‌وگو با امیر سرتپ «عبدالحسین مفید» یک بعدازظهر در منزلش انجام شد و تا شب ادامه داشت. نظم نظامی را همچنان می‌توان در رفتارش مشاهده کرد. او در جریان هشت سال دفاع مقدس با درجه سرهنگی، مسئول اطلاعات-عملیات ارتش بود. او که متولد ۱۳۱۵ است، حضورش در ارتش از دانشکده افسری در سال ۱۳۳۶ آغاز شده؛ تا پیش از انقلاب در دانشگاه عالی جنگ مشغول فعالیت بوده؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم مدتی فرمانده قراقره نیروی زمین ارتش در یوزیان بود و پس از آن شش ماه هم فرمانده لشکر یک ارتش. امیر «مفید» که دوهزارو ۵۵۵ روز در جبهه‌ها حضور مستمر داشته، الان در پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس مشغول فعالیت است. او از سوم مهر ۱۳۵۹ تا پایان جنگ در سال ۱۳۶۷ در جبهه‌ها حاضر بوده و اول بهمن همان سال بازنشته‌شد. حاصل حدود دو ساعت گفت‌وگو با افسر اطلاعات قراقره کرل‌با، در سالروز آزادسازی خرمشهر در ادامه می‌آید.

از کارون عبور و به بهمن‌شیر حمله می‌کنند و جریان کوی «ذوالفقاری» آبادان رخ می‌دهد. ماجرا از این قرار بود که یک تعمیرکار دوچرخه به نام «دریاقلی» متوجه عبور عراق از بهمن‌شیر می‌شود و بلافاصله خبر را می‌رساند؛ پس از آن نیروها سریعاً عراقی‌ها را پس‌زدند و نیروهای عراق در شرق کارون مستقر شدند. پس از زمین‌گیرشدن ارتش عراق، شرق کارون و در شمال آبادان، غرب اهواز تا ۲۰ کیلومتری، جنوب کرخه‌خه جنوب، جنوب سوسنگرد و امتداد هویزه تا هورالعظیم را در تصرف خود داشت. جنوب برای ما به‌دلیل حساسیت‌های اقتصادی و منابع انرژی و البته بنادر خرمشهر و بوشهر بسیار اهمیت داشت. حال خرمشهر در تصرف عراق بود ولی بوشهر محل صادرات و واردات نفت نما بود. بنابراین ابتدا تصمیم به بازپس‌گیری جنوب کشور گرفته شد. نیروی زمینی در بدو امر به دلیل شرایط پس از انقلاب، توانایی سابق را نداشت. همان‌طور در اسناد آمده، در تاریخ ۲۲ تیرماه سال ۵۹ دقیقاً دوزوز پس از کودتای نوزه، مجلس، شهید چمران را برای توضیحات درباره ارتش و کودتای نوزه به صحن علنی فرامی‌خواند. او در آن روز می‌گوید: «حدود ۱۲هزارنفر را تاکنون در ارتش تسویه کردند و هم‌اکنون سه گروه دیگر مشغول تسویه‌اند». خب افسرهای رده‌بالای ما در ارتش تسویه شدند نه سربازهای معمولی که این امر بر نیروی زمینی تأثیرگذار بود.

طرف یک‌سال که نیروی زمینی در منطقه مسئولیت داشت، علاوه بر شکل‌دهی و ساماندهی، برخی عملیات‌ها تحت عنوان «حمله محدود» ازجمله در شرق کارون (منطقه‌ثامن‌الانمه)، دو عملیات با استعداد بسیار کم توسط قراقره «اروند» به فرماندهی سرهنگ «فرزان» با دو گردان پیاده و زاندارمری به مصاف یک تیپ زرهی که در سکر دفاع می‌کرد، رفتند که ناموفق بود. هدف، جلوگیری از دسترسی عراق به بهمن‌شیر بود زیرا قرار بر ورود گردان ۱۵۳ مشهید به آبادان بود، اگر مسیر بهمن‌شیر به دست عراق می‌افتاد، دیگر امکان حضور لشکر مشهد در آبادان وجود نداشت. از این حرکت که صرفاً برای جلوگیری از تحرک عراق باشد، در تاریخ جنگ بسیار است. دراین‌بین سپاه نیز کم‌کم حالت نظامی پیدا کرد و الحق در کنار ارتش به خوبی فعالیت می‌کردند. پس از کناررفتن بنی‌صدر، اولین عملیاتی که انجام شد، عملیات فرماندهی کل قوا بود که در شمال دارخوین بود که با برادران سپاه و استعداد کم به‌خوبی انجام شد. پس از آن عملیات ثامن‌الانمه در شرق کارون بود. بعد از آن باید در جایی عملیات می‌کردیم که زمین به ما اجازه دهد و پس از پیروزی حداقل نیروها را در آنجا مستقر کنیم و بتوانیم اکثریت نیروها را برای عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس به کار بگیریم. مناطق بستان و جزایر بهترین موقعیت را داشتند- عملیات طریق‌القدس که موفق هم بود- در نهم آذر سال ۶۰ شکل گرفت. پس از آن در سپاه تیپ‌ها شکل گرفت و ما نیز کارآزموده شدیم و تجربه پیدا کردیم. حداقل نیروی ممکن را در جزایر به کار کردیم. عملیات فتح‌المبین هم در غرب دزفول طرح‌ریزی و اجرا شد که بسیار موفق بود.

کا **چند گروه به طرح‌ریزی عملیات می‌پرداختید؟**
هریک از دو نیروی ارتش و سپاه، به صورت جداگانه به طراحی می‌پرداختیم و در جلسات مشترک به جمع‌بندی نهایی می‌رسیدیم؛ چون نیروها باید با هم به کار برده می‌شدند. به‌کارگیری نیروهای سپاهی، زمینی و هوایی، اگر لزومی وجود داشت از نیروی دریایی و هوانیروز نیز استفاده می‌شد که نیازمند هماهنگی بود.

کا **فرماندهی اصلی برعهده ارتش بود؟**

خیر؛ مشترک بود. در این مسائل بحث ادغام رده‌های پایین (گروهان، گردان و حتی تیم) مطرح بود، اما ادغام ما شبیه ادغام آب و روغن بود. با اینکه با هم بودیم، اما هر یک با فرماندهی خودش به فعالیت می‌پرداخت و این نقطه ضعف ما بود که وحدت فرماندهی وجود نداشت. اما ارتش عراق هم ارتش نبود و ارتش نبود. من افسر اطلاعات بودم و ارتش عراق را به‌خوبی می‌شناختم. بعد از فتح‌المبین بلافاصله در عملیاتی که بعدها بیت‌المقدس نام گرفت متوجه جنوب و غرب اهواز شدیم، ما در طرح‌ریزها واقعا عالمانه عمل کردیم.

باید از نقاط ضعف عراق استفاده می‌کردیم، اما عراق هم غیرمستقیم از برنامه‌هایمان باخبر می‌شد. با این آگاهی‌ها و فرماندهی منسجم صدام، عراق با حالت دفاعی باید جلوی ما را می‌گرفت، ولی با طرح‌ریزی موفق ما، این اجازه به عراق داده نشد و توانستیم غافلگیرشان کنیم. غافلگیری ما نه از زمان و منطقه حمله، بلکه از چگونگی حمله بود. همان‌طوری که در جریان عملیات فتح‌المبین عمل کردیم؛ یکی در منطقه «عین‌الخوش» بود که از آن طریق، عقبه لشکر ۱۰ تحت فشار قرار دادیم و دیگری منطقه «رقابیه» که عقبه منطقه یک و سه را تحت فشار قرار دادیم. در اصطلاح نظامی واژه‌ای داریم به نام «حمله مختل‌کننده» برای مثال زمانی که متوجه حمله واحدی می‌شویم، اگر بتوانیم، با حمله مختل‌کننده سازمان و انسجام حمله دشمن را به هم می‌زنیم.

صدام هم متوجه حمله ما در منطقه فتح‌المبین شد و دو شب قبل به دو نقطه حساس حمله کرد که زمان حمله ما را مختل کرد. در قراقره کرل‌با آماده بودیم که روز اول فروردین سال ۶۱ عملیات فتح‌المبین را اجرا کنیم، پس از به‌هم‌ریختن سازمان حمله ما ازسوی ارتش عراق، لازم به کسب دستور از خود امام شدیم، زمان بسیار کم بود و با ماشین و قطار امکان سفر وجود نداشت و هوایمانا نیز شب قادر به پرواز نبودند. یک افسر نیروی هوایی به نام شهید حق‌شناس در قراقره ما بود. او با شنیدن این مکالمات گفت حاضر است یکی از عزیزان یا محسن رضایی یا شهید صیاد را بر خلاف دستورات، با یک هوایمی اف۵ دو کابینه یک‌ساعته نزد امام ببرد و بازگرداند. قرار بر رفتن جناب محسن رضایی شد. آقای رضایی نزد امام رسید و امام فرمودند تصمیم‌گیری با شمامت و حتی درخواست جناب رضایی برای استخاره‌گرفتن را نپذیرفتند و آقای رضایی شبانه به دزفول بازگشتند و استخاره گرفتند. آقای محمدزاده، عضو وقت سپاه، قرآن را باز کردند تا استخاره بگیرند. همان زمان آیه فتح آمد و همه خوشحال شدیم و عملیات را انجام دادیم و موفق شدیم.

در عملیات بیت‌المقدس نیز همین روال بود. من مسئول اطلاعات بودم. برای تصمیم‌گیری در راستای مأموریت، چهار عامل باید دیده شود؛ اول، باید هدف مأموریت مشخص باشد؛ دوم وضعیت زمین و اثرگذاری آن؛ سوم، وضعیت دشمن و چهارم، وضعیت نیروهای خودی است. باید این چهار فاکتور ارزیابی و سپس تصمیم‌گیری کرد. از این چهار مورد، دو مورد زمین و شناسایی دشمن، برعهده افسر اطلاعات است. گرفتن اطلاعات از دشمن نیاز به برنامه‌ریزی دارد. زمین و… در اختیار دشمن است و سعی در حفظ تمام اطلاعات می‌کند و گاهی نیز سعی در فریب دارد. اینجانش افسر اطلاعات مشخص می‌شود و باید از بین این اوضاع، به یک جمع‌بندی قطعی در رابطه با دشمن و ساختار دفاع و نوع دفاعش برسد. ضمن اینکه نتیجه این اطلاعات باید سریعاً به دست فرماندهان برسد. به همین دلیل مسئولیت من و همکارم شهید «حمید معینیان» از سپاه بسیار حساس بود. باید تلاش‌های اطلاعاتی‌مان هرچه سریع‌تر به سمت هدفمان که غرب اهواز و سپاه سه عراق بود، هدایت شود.

کا **آنها را شنود هم می‌کردید؟**

یکی از کوچک‌ترین راه‌ها شنود بود. سوابق اطلاعاتی، شناسایی‌ها و شنود، ازجمله این راهکارهاست، برای مثال یک سرهنگ معمولی را اگر به عنوان رأس اطلاعات سازمانی قرار دهند که نه عراق را می‌شناسد و نه منطقه را قطعاً توانایی تحلیل ندارد و بلکه این کار نیازمند فردی مسلط است. یک متخصص، وقتی به عکس‌های هوایی نگاه می‌کند؛ از روی ساختار چیدمان دشمن و محل استقرار نیروهای پیاده، رزهی، توپخانه، مواضع، مانع و نحوه قراردادن نیروهای زرهی و احتیاط‌ها متوجه معانی تصاویر می‌شود. روز ششم فروردین سال ۶۱ که هنوز فتح‌المبین به اتمام نرسیده بود در درگیر شکست عراق در فتح‌المبین بودیم، به سمت جنوب متوجه شدیم و تلاش‌هایمان را بر منطقه‌ای که نیازمند آن بودیم (غرب اهواز و شمال خرمشهر) متمرکز کردیم. عکس‌های دیگری در بیست‌وششم فرودین و ششم اردیبهشت گرفتیم.

کا **این عکس‌های هوایی از چه طریقی گرفته می‌شد؟**
با فانتوم‌های شناسایی؛ این تصاویری که با بالا گرفته می‌شود توسط متخصصین اطلاعاتی ابتدا خوانده و سپس تفسیر می‌شود، مثلاً وقتی که از بالا نگاه می‌کنید یک نوار سیاه روی زمین می‌بینید، نمی‌دانید آیا جاده آسفالت است یا خاکی، رودخانه است یا نهر آب، یک موضوع توپ یا تانک است یا یک موضوع نفربر. اینجاست که فقط مفسران عکس که آموزش این کار را دیده‌اند و تجربه دارند، قادر به شناسایی صحیح هستند. آنها در گروه‌های پشتیبانی اطلاعات رزمی و ارکان دوم سازمان یافته بودند. استفاده می‌کردیم، خب زمین را می‌شناختم؛ منطقه عملیات بیت‌المقدس در غرب اهواز از امتداد منطقه کرخه کور شروع می‌شود، بعد از هویزه به سمت هورالعظیم می‌رود. ما حدود ۱۸۰کیلومتر خط‌ماس با دشمن داشتیم و دفاع عراق در این ۱۸۰کیلومتر برای ما مشخص بود. ما درفتح‌المبین و طریق‌القدس خیلی اسیر گرفته بودیم و آنها را هم تخلیه اطلاعاتی کرده بودیم؛ برای مثال «ناظم گدار»، سرهنگدو زرهی، که افسر رکن سوم لشکر سه زرهی در منطقه غرب اهواز و شمال خرمشهر مستقر بود و در فتح‌المبین اسیر شد، افسر شیعه بود و با ما همکاری کرد. ایشان را برديم در دارخوین که دکل بلندی داشتیم، دقیقاً تمام منطقه را از بالا برای ما تشریح کرد. ما این‌گونه اطلاعات به‌دست می‌آوردیم، عکس‌های هوایی نیز بیشتر به دانش و علم ما و بچه‌های اطلاعاتی درباره عملکرد و اصول و قواعد رزم ارتش عراق کمک می‌کرد.

● رهبر انقلاب در دیدار با دانشجویان بسیجی سراسر کشور: محافظه‌کار نشوید، دانشجوی بسیجی باقی بمانید

● سخنجوی وزارت خارجه در گفت‌وگو با روزنامه اتریشی استاندارد: هدف ایران پایان اشغالگری در عراق است

● نیویورک‌تایمز: آقای بوش خواستیم ایران را منزوی کنیم قوی‌تر شد

● مذاکرات رئیس‌جمهور با مقامات بلاروس در مینسک

● وزیر خارجه در گفت‌وگو با العالم: از حکومت منتخب مردم فلسطین حمایت می‌کنیم

● حمله خمپاره‌ای تروزیست‌ها به ساختمان پارلمان عراق

ایران

● لوکاشنکو در مذاکره با احمدی‌نژاد در مینسک: ایران می‌تواند به یک مرکز بزرگ جهانی تبدیل شود

● لوکاشنکو در مذاکره با احمدی‌نژاد در مینسک: ایران می‌تواند به یک مرکز بزرگ جهانی تبدیل شود

● انتقاد نمایندگان به رسانه‌ای‌کردن سؤال از رئیس‌جمهور

● عبدالعزیز حکیم برای درمان ایران را انتخاب کرد

● وزارت اطلاعات: نماینده مخفی بنیاد آمریکایی «سوروس» در ایران تحت تعقیب قرار گرفت

● علیرضا زاکانی: تجمیع، آفت فعالیت‌های اجرایی است

● رهبر معظم انقلاب: دانشجوی بسیجی نمی‌تواند و نباید بی‌اعتنا به مسائل سیاسی باشد

● اطلاعیه مشترک وزارتخانه‌های نفت و کشور: بنزین از امروز ۱۰۰ تومان

اقتصاد

● رهبر انقلاب اسلامی: بیداری ملت‌ها در فلسطین، لبنان، آمریکای لاتین و مناطق مختلف جهان، نتیجه مقاومت مظلومانه ملت ایران و صلابت محکم‌تر از فولاد امام راحل عظیم‌الشان است

● تسلیت رهبر معظم انقلاب به مناسبت درگذشت فخرالدین حجازی

● محمد هاشمی: دولت برای تطهیر خود، گذشته را زیر سؤال می‌برد

● پرونده بحران بنزین و راهکارهای دولت در دیوان محاسبات و سازمان بازرسی

● افشای طرح ترور مقتدی صدر

● تقدیر نمایندگان مجلس از نیروی انتظامی

● جنگ خیابانی ارتش لبنان با فتح‌الاسلام

اقتصاد

● رهبر انقلاب اسلامی: بیداری ملت‌ها در فلسطین، لبنان، آمریکای لاتین و مناطق مختلف جهان، نتیجه مقاومت مظلومانه ملت ایران و صلابت محکم‌تر از فولاد امام راحل عظیم‌الشان است

● تسلیت رهبر معظم انقلاب به مناسبت درگذشت فخرالدین حجازی

● محمد هاشمی: دولت برای تطهیر خود، گذشته را زیر سؤال می‌برد

● پرونده بحران بنزین و راهکارهای دولت در دیوان محاسبات و سازمان بازرسی

● افشای طرح ترور مقتدی صدر

● تقدیر نمایندگان مجلس از نیروی انتظامی

● جنگ خیابانی ارتش لبنان با فتح‌الاسلام

اقتصاد

● سازمان ملل اعلام کرد: خروج ۷۰ هزار افغان از ایران در یک ماهه گذشته

● متکی: در مذاکرات هسته‌ای در چارچوب مقررات کاملاً متعطف هستیم

● رئیس قوه قضائیه: ناامیدی همیشگی دشمنان اسلام از تهاجم به ایران ثمره فتح خرمشهر بود

● دادستان کل کشور: دستگاه قضایی در جهت ایجاد امنیت اقتصادی مصمم است

● رئیس دادگاه‌های ویژه روحانیت: حکومت‌ها تعیین‌کننده امور برای روحانیت نیستند

● رئیس‌جمهور در مینسک: بلاروس، اولویت ویژه سیاست خارجی ایران است

اطلاعات

● رهبر معظم انقلاب: در عرصه رویارویی ملت‌ها با نظام سلطه‌گر آمریکا، جمهوری اسلامی ایران به مرکز فرماندهی جبهه ملت‌ها تبدیل شده است

● سندن همکاری و یک قرارداد میان ایران و بلاروس امضا شد

● ادامه درگیری‌های شدید میان ارتش لبنان و افراد مسلح گروه «فتح‌الاسلام»

● ابراز نگرانی جامعه جهانی از حملات رژیم صهیونیستی به نوار غزه و کرانه باختری

● رئیس‌جمهور: حق هسته‌ای ملت ایران به‌زودی به‌طور کامل تثبیت می‌شود

جمهوری اسلامی

● در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور مطرح شد: رهبر انقلاب: امتداد فرماندهی مقابله با نظام سلطه‌گری آمریکاست

● آقازاده: تا نصب ۵۰ هزار ساترنیفیوژ پیش می‌رویم

● «توماس فریدمن»، نویسنده نیویورک‌تایمز: عملکرد بوش باعث افزایش قدرت ایران شده است

● وزارت اطلاعات ابعاد و جزئیات فعالیت و دستگیری هاله اسفندیاری را تشریح کرد

● اعتراض رسمی ایران به انگلیس درخصوص کشته‌شدن یک شیعه ایرانی در عراق

● بنزین فعلاً ۸۰ تومان با کارت هوشمند

● سردار میرزاده: آزادسازی خرمشهر نمونه بارز اتحاد ملی به حساب می‌آید